

بی‌نظمی؛ خطرناک‌ترین آفت در اداره امور

ورزش از وجود کسانی که جز دروغ و دروغگویی هنر دیگری ندارند باید پاکسازی شود. اگر این کار صورت بگیرد گره‌های زیادی از مشکلات موجود ورزش باز و برطرف می‌شود.

در هر مجموعه‌ای که مسئول مستقیم آن عادت به دروغ گفتن داشته باشد و یا دروغ را وسیله‌ای برای ایجاد حاشیه امن و سرپوش گذاشتن بر خیلی از ضعفها قرار بدهد، توقع صداقت و یک رنگی در مجموعه غیر ممکن است. وقتی مدیری توان و ظرفیت اعمال قدرت نداشته باشد به دنبال بهانه خواهد بود تا بلکه با برچسب زدن به دیگران بتواند راه میدان دادن به دوستان و هم‌پیمانان و هم‌راهان را فراهم نماید.

این قبیل اقدامات آفتی بزرگ برای مدیریت و حرکت رو به جلو مجموعه می‌تواند به حساب‌آید. هر مجموعه‌ای به مدیریت افرادی نیاز دارد که فرق مدیریت با خودکامگی و بی‌تعهدی را بداند. مدیر اگر از به کارگیری شعاردهندگان و مشت‌بله قربان‌گو و ثناگو خودداری نکند و به جای حاشیه به متن بپردازد، سهل‌تر می‌تواند بر مشکلات غلبه کند و برای بهبود امور در مجموعه تحت مدیریت گام بردارد.

به کارگیری روش‌های مذموم و ناپسند چون بی‌حرمتی به برخی‌ها و یا با قلدری لمپن مآبانه و بدگویی از زمین و زمان و فقط خود و اطرافیان را قبول داشتن، هیچ دردی را نمی‌تواند درمان نکند. زمانی که گوشه برای شنیدن سخن ناصحان و دلسوزان وجود نداشته باشد اعتراض در برابر حرف حق و اجیر کردن مشت‌طالبان سیم و زر و به کارگیری عاشقان قدرت امری طبیعی جلوه می‌کند.

خیلی زشت و ناپسند خواهد بود که مدیران و دست‌اندرکاران امور در یک جامعه اسلامی و انقلابی به دنبال شایعه پراکنی، برچسب زنی و متهم کردن این و آن باشند. انرژی که برای گل‌آلود کردن آب و یافتن موارد جدید برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی صرف می‌شود اگر در راه صحیح و اصولی‌اش مورد استفاده قرار بگیرد حجم قابل توجهی از نابسامانی‌ها را می‌تواند مرتفع کند ولی گویا ناف‌عده‌ای آویزان از پست‌ها و مناصب را در کتمان حقایق و پر و بال

دادن به ادعاهای واهی بریده‌اند.

ورزش جدا از بخش‌های دیگر جامعه نبوده و نیست. حضور جریان‌ی طالب قدرت و علاقه‌مند به میز و منصب، همیشه در فکر ماندن و ابقا به هر بها و بهانه‌ای هستند. آن‌ها برای دست‌یابی به هدف از ایجاد تفرقه و تحریک احساسات گرفته تا حرمت‌شکنی و کینه و و یا کارهایی از این دست خودداری نمی‌کنند.

بی‌نظمی

یکی از ویژگی‌های این افراد دامن زدن به بی‌نظمی‌هاست. تن‌ندادن به قانون توسط هر شخص و یا گروهی بی‌نظمی ایجاد می‌کند. بی‌نظمی خطرناک‌ترین آفت در اداره امور هر نهاد و هر تشکیلاتی می‌باشد. بی‌نظمی وقتی در درون مجموعه‌ای به اوج می‌رسد که در آن کسانی مغالطه و شعار دروغین و فریبنده، خلاقیت و حتی پیشتازی در جامعه را مطرح و به آن افتخار کنند.

در مجموعه‌هایی که بی‌نظمی حاکم باشد خبری از برنامه‌ریزی نخواهد بود. هر برنامه نیازمند نظم است و مسئولین بی‌برنامه در مجموعه‌های ورزشی، عاملین اصلی بی‌نظمی و دامن زدن به آن می‌باشد.

ادعای برنامه محوری

مکرر مشاهده شده که برخی از دست‌اندرکاران ورزش، برنامه محوری را از افتخارات خود دانسته و در اطراف آن بارها و بارها اظهار فضل نموده‌اند. این ادعا در حالی صورت گرفته که تاکنون در سطح جامعه از آن برنامه‌ها پرده‌برداری نشده و در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است.

مسئولی که خود و مجموعه تحت مدیریتش را برنامه محور می‌نامد و می‌داند، باید برنامه تنظیمی را منتشر بکند و افکار عمومی را برای پیگیری و توجه به میزان تحقق آن‌ها دعوت بکند. پس زمانی که حرف بزنیم و خبری از اثبات ادعا وجود نداشته باشد یعنی حاکمیت بی‌نظمی در مجموعه و رشد یکی از آفات خطرناک به نام بی‌اعتمادی.

چرب‌زبانی

ورزش برای موفقیت در سطح کشور و استان‌ها نیاز به مدیریتی مخلص، متعهد، شجاع و بالاخره کاربلد دارد. وضعیت فوتبال کشور در سال‌های اخیر نشان‌دهنده عدم موفقیت آن به دلیل ضعف در مدیریت‌هاست.

مدیری که در فکر اعمال مدیریت رفاقتی و قومی و قبیله‌ای باشد و مدیری که فاقد ظرفیت لازم برای پذیرش انتقاد باشد و مدیری که حرف و عملش همخوانی نداشته باشد، مجموعه را به حال و روز نامساعدی دچار می‌کند و چون قادر به دل‌کندن از میز مدیریت و موفقیت بادآورده نیست از ریسمان ظاهرسازی و چرب‌زبانی آویزان می‌شود و دام فریب می‌گستراند تا شاید بتواند چند روزی بر عمر مدیریت سراسر پرحاشیه‌اش بیفزاید.

جریان‌سازی کاذب

به چه دلیل عده‌ای برای قدرت‌نمایی در ورزش علاقه‌مندند و چگونه به هر بهایی می‌خواهند آن چه را که دارند از دست ندهند؟ مدیران راه‌گم کرده‌ای که سر از ورزش در آورده‌اند چه مزیت‌ها و ویژگی‌هایی دیده‌اند که هرگز به ترک صحنه آن رضایت نمی‌دهند؟

چرا زمانی که احساس خطر می‌کنند و پایه‌های صندلی مدیریت خود را لرزان می‌بینند به جریان‌سازی کاذب روی می‌آورند؟ چرا می‌خواهند با راه انداختن بحث‌های انحرافی، حاشیه‌سازی و درگیری اذهان، مردم و دوستداران ورزش را به موضوعات فرعی و دست‌چندم و بی‌پایه و از اساس کذب متوجه نمایند؟ یکی از راه‌هایی که می‌تواند در بهبود اوضاع درهم و آشفته فوتبال مؤثر واقع شود، جمع‌شدن بساط حرف‌زدن علیه یکدیگر و منتقدان است. آن چه در این عرصه اتفاق می‌افتد به هیچ‌عنوان شایسته و درخور شأن فوتبال نمی‌تواند باشد.

عیار مرد

ورزش را به دلیل شرایط و روحیه حاکم بر فضای آن، پهلوان‌پرور می‌دانند. جامعه انتظار دارد که فعالین در این عرصه، جوانمرد، بامرام، راستگو و صادق بوده و با صفات مذمومی چون بدگویی، زیرآب‌زنی و پرونده‌سازی غریبه‌باشند. اگر افراد صادق و راستگو جای خود را به آویزان‌های بی‌مرام بدهند بروز و ظهور هر رفتار زشت و ناپسند در آن نمی‌تواند دور از دسترس باشد.

از قدیم گفته‌اند: "عیار مرد را به همت او می‌سنجند نه هیبت او". دیگر دوران زوربازو، تهدید و زخم‌چشم‌گرفتن گذشته است. برای ورزشی‌ها آنهایی عزیز هستند که با همت خود برای ورزش کاری کرده‌اند کارستان. آنهایی مورد توجه مردم هستند که کمتر شعار بدهند و بیشتر عمل نمایند و آنهایی می‌توانند موفق بشوند که از وابستگی به افراد قلدر مآب بکاهند و با اتکاء به خداوند بزرگ و چشم‌داشتن به

عنایت وی روزگار بگذرانند و مدیریت بکنند.

مرا زور و پیروزی از داور است

نه از پادشاه و نه از لشگر است.

خوش خیال

این نوشته هیچ قصد و غرضی جز کمک به روند اصلاح ساختار ورزش ندارد. مسئولان ورزش در هر سطحی از مسئولیت باید از چسبیدن بیشتر به فرم، اسم و ظاهر خودداری بکنند و به آن دل خوش نشوند و از محتوا و باطن ورزش غافل نگردند. از کارهای صوری و سطحی دوری کنند و به عمق مسائل، متن و ریشه متوجه شوند. می‌خواهیم در ورزش از روابط و نقش آفرینی آن کاسته شود و روابط در اولویت کارها قرار بگیرد، شایسته سالاری حاکم گردد و از نظریات و ایده‌های پیشکسوتان و جوانان خلاق و با فکر استفاده شود.

در سطح استان‌ها هیئت‌های ورزشی را از قائم به شخص بودن نجات بدهند و برای همیشه بساط مهندسی کردن مجامع انتخاباتی جمع شود و امور مدیریتی آن‌ها به دست افراد دلسوز و علاقه‌مند سپرده شود.